

تنها زیستی سالمندان در ایران بر حسب تفاوت‌های سنی و جنسیتی: شیوع و عوامل مرتبط

*مهری شمس قهفرخی^۱

۱. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

نشریه پاییش

سال هجدهم، شماره چهارم، مرداد - شهریور ۱۳۹۸ صص ۳۶۷-۳۵۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۶/۴

[نشر الکترونیک پیش از انتشار- ۹ شهریور ۹۸]

چکیده

مقدمه: در این مطالعه الگو و روند تنهازیستی سالمندان در طول پنج دوره سرشماری گذشته در ایران بررسی گردیده و سپس ویژگیهای افراد سالمند تنها توصیف شده است. همچنین تعیین شد که تا چه حد ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مربوط به تنهازیستی سالمندان است. این یافته‌ها نه تنها اطلاعاتی در مورد پویایی ترتیبات زندگی ارائه می‌دهد، بلکه شواهدی در مورد تغییرات زندگی خانوادگی در ایران را فراهم می‌آورد.

مواد و روش کار: داده‌ها از "نتایج منتشر شده سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵)" و دیگری "داده‌های فردی ۲ درصد سرشماری سال ۱۳۹۵" استخراج شده است. به منظور بررسی اهمیت نسبی همبسته‌های متغیر تنها زیستی سالمندان، مجموعه‌ای از مدل‌های رگرسیون لوجستیک با استفاده از نرم افزار STATA برای داده‌های فردی سرشماری ۱۳۹۵ به کار برده شد.

یافته‌ها: نسبت سالمندانی که در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ تنها زندگی می‌کردند، به ترتیب برابر با ۹/۰، ۹/۱، ۹/۰ و ۱۴/۵ درصد بود. تنهازیستی با سکونت در شهر، مrod بودن، تحصیلات (راهنمایی یا متوسطه)، بیوه بودن، طلاق، ازدواج نکردن، دارای درآمد بدون کار، سایر فعالیتها، خانه‌داری، سن ۶۰-۷۹ و سن ۷۰-۷۹ مرتبط است. همچنین متغیرهای وارد شده در تحلیل، قادر به تبیین ۴۳ درصد از تغییرات تنها زیستی سالمندان در کل نمونه بود (مردان ۴۸ درصد و زنان ۳۵ درصد).

بحث و نتیجه گیری: در صورت تداوم افزایش تنهازیستی سالمندان و نبود سازمانهای حمایت کننده، شرایط دشوارتری برای آنان در آینده ایجاد خواهد شد. پس با توجه به آسیب‌پذیر بودن سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند، مخصوصاً با افزایش سن، نیاز به سیاست-گذاری و داشتن برنامه‌ریزی برای ایجاد مراکز رسمی مراقبت از سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند و شبکه حمایت خانوادگی ندارند، بیشتر است.

کلیدواژه: سالمند، تنهازیستی، وضعیت تأهل، محل سکونت، جنسیت، سن، ایران

کد اخلاق: IR.UI.REC.1398.001

* نویسنده پاسخگو: اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی
E-mail: mehri_shams2001@yahoo.com

مقدمه

می کردند، ۱۲ درصد بود. برآوردها از کمترین میزان با ۱ درصد در افغانستان و پاکستان تا بیشترین درصد با ۳۴ درصد در لیتوانی بود. برای نیمی از کشورها، نسبت تنها زیستی، بین ۷ تا ۲۱ درصد بود [۱]. ترتیبات زندگی توسط تعامل سه عامل جمعیتی، اقتصادی و فرهنگی تعیین می گردد. اولاً عامل جمعیتی، بستر فرصت‌های اقامت مشترک را شکل می دهد. جوامع با باروری بالا، قاعدها خانواده‌های بزرگتری نسبت به جوامع با باروری پایین دارند. افزایش امید زندگی، احتمال همسکنایی بین نسلی را افزایش می دهد، زیرا همپوشانی طول عمر بین دو نسل طولانی‌تر می شود. ثانیاً، عوامل اقتصادی و فرهنگی، عوامل مؤثر در تحقق این فرصت‌های جمعیتی برای همسکنایی هستند [۲۱].

این مقاله با استفاده از نتایج منتشر شده سرشماریهای متواتی ایران (۱۳۹۵-۱۳۶۵) و ۲ درصد داده‌های فردی سرشماری (۱۳۹۵)، به بررسی الگو و روند تنهازیستی سالمندان در ایران می‌پردازد. در ابتدا، شیوع تنهازیستی در طول پنج دوره سرشماری گذشته بررسی گردیده است، سپس ویژگیهای افراد سالمند تنها توصیف شده و در ادامه، تعیین اینکه تا چه حد ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مربوط به تنهازیستی سالمندان است مورد بررسی قرار گرفته است. این یافته‌ها نه تنها اطلاعاتی در مورد پویایی ترتیبات زندگی ارائه می‌دهد، بلکه شواهد بیشتری در مورد تغییرات زندگی خانوادگی در ایران نیز فراهم می‌آورند.

مواد و روش کار

داده‌ها از دو منبع اصلی "یکی نتایج منتشر شده سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵)" و دیگری "داده‌های فردی ۲ درصد سرشماری سال ۱۳۹۵" گرفته شده است. سالمند تنها، به عنوان فردی تعریف می‌شود که ۶۰ ساله و یا بالاتر باشد و در خانواری باشد که تنها یک عضو داشته باشد. به منظور شناسایی الگوهای تنها زیستی سالمندان، جنس، سن، وضع زناشویی، تحصیلات و وضع فعالیت سالمندان تنها، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج منتشر شده سرشماری‌ها، تنها اطلاعاتی در مورد سن و جنس سالمندان ارائه می‌دهند. بنابراین متغیرهای دیگر (برای مثال، وضع زناشویی، تحصیلات و وضع فعالیت) از داده‌های فردی سرشماری ۱۳۹۵ استخراج شده است. این محدودیت باعث شده است که تغییرات، در ترکیب سنی و جنسی سالمندان تنها در طول زمان بررسی شود. متغیرهای دیگر بین سالمندان تنها و

سالمند در خانوار به تنها زندگی می‌کند. در جهان در مورد ظهور این جنبه از ترتیبات زندگی مطالعات بسیاری صورت گرفته است [۴-۹]. اما در ایران، مطالعات اندکی به این موضوع پرداخته‌اند که یا بصورت نمونه‌گیری انجام شده است و یا بصورت کلی این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌اند [۱۰-۱۲] و از آنجایی که چنین دانش و شواهدی در مورد زندگی سالمندان، می‌تواند ظرفیت تصمیم‌گیری، طراحی و برنامه‌ریزی و تدوین خط مشی‌ها و سیاست‌های مبتنی بر شواهد را در کشور تقویت نماید، از اهمیت بالایی برخوردار است. روز به روز بر سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند افزوده می‌شود. تنهازیستی یک عامل خطر جدی برای کاهش سلامت در سالمندان است [۸، ۱۳]. در اکثر مطالعات نشان داده شده است که تنها زندگی کردن منجر به کاهش سلامت روان [۱۴-۱۶]، افسردگی [۱۷، ۱۸] و مرگ و میر بالاتر [۱۹] و احساس تنها ی [۲۰] می‌گردد. به گزارش سازمان ملل متحد در میان ۱۴۳ کشور یا منطقه مورد مطالعه، درصد متوسط افراد ۶۰ سال و بالاتر که تنها زندگی

۵۰/۲۲ درصد و ازدواج کرده‌ها با ۱/۳۸ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در کل کشور، از سالمندان بیسواند ۱۵/۵۵ درصد، از سالمندان با تحصیلات ابتدایی ۱۰/۶۳ درصد، از سالمندان با تحصیلات دیپلم راهنمایی و متوسطه ۸/۳۹ درصد، از سالمندان با تحصیلات دیپلم ۸/۵۱ درصد و از سالمندان با تحصیلات دانشگاهی ۷/۸۹ درصد، تنها زندگی می‌کنند. همچنین میزان سالمندان تنها زیست شاغل نیز ۸/۸۷ درصد بوده است.

تحلیل چند متغیره

این بخش نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لوگستیک برای تأثیر همبسته‌های متفاوت تنها زیستی سالمندان، را ارائه می‌دهد. (جدول شماره ۳ نتایج را برای کل جمعیت، هم برای زنان و هم برای مردان ارائه می‌دهد). در حالیکه جدول شماره ۴ نتایج را برای مردان و جدول شماره ۵ نتایج را برای زنان ارائه می‌دهد. در همه این جداول، ستون ۱، نسبت برتری کنترل نشده را نشان می‌دهد، که اثر هر متغیر را بدون در نظر گرفتن تأثیر دیگر متغیرها، ارائه می‌دهد. ستون ۲، نسبت برتری کنترل شده که از یک مدل کامل (شامل تمامی متغیرها)، برآورده شده است، را نشان می‌دهد. ستونهای ۳، ۴ و ۵، به ترتیب شامل نتایج برای مراحل اوان سالمندی (۶۰-۶۹ سال)، سالمندی میانی (۷۰-۷۹ سال) و کهنسالی (۸۰ سال و بیشتر) می‌باشد.

زندگی در مناطق روستایی، زن بودن، بیسواندی، ازدواج نکردن، در حال تحصیل بودن، دارای درآمد بدون کار، خانهداری، سایر فعالیتها و کهنسالی همگی بخت تنها زیستن را بالا می‌برند. شهریها نسبت به روستائیان و مردان نسبت به زنان بخت تنها زیستی بیشتری داشتند. بخت تنها زیستی در سالمندان بیسواند و دارای تحصیلات ابتدایی، به ترتیب ۲/۸ و ۱/۴ برابر سالمندان دارای تحصیلات دانشگاهی و تنها زیستی ازدواج نکرده‌ها، طلاق گرفته‌ها و بیوه‌ها به ترتیب ۸۸/۴، ۷۸ و ۷۲/۲۷ برابر ازدواج کرده‌ها بود. بخت تنها زیستی در وضعیت دارای درآمد بدون کار بودن ۲/۵ برابر، در حال تحصیل بودن ۲/۲ برابر سایر فعالیتها ۱/۷ برابر و خانهداران ۱/۵ برابر شاغلان بود. تنها زیستی سالمندان در مراحل اوان سالمندی و سالمندی میانی، کمتر از کهنسالی بود (ستون ۱ از جداول ۴ و ۵). بعد از در نظر گرفتن تأثیر تمامی متغیرها، زندگی در مناطق روستایی، زن بودن، ازدواج نکردن، طلاق و بیوگی، خانهداری و کهنسالی همگی بخت تنها زیستن را بالا برداشت. چند تغییر بعد از کنترل دیگر متغیرها، مشاهده شده، نخست آن که تحصیلات تأثیر

غیرتنها مقایسه می‌شوند. بررسی دو گروه در یک سال مشخص، در ک بهتری از تفاوتها را ارائه می‌دهد (برای مثال سال ۱۳۹۵). در نهایت به منظور بررسی اهمیت نسبی، همبسته‌های متفاوت تنها زیستی سالمندان، مجموعه‌ای از مدل‌های رگرسیون لوگستیک با استفاده از نرم افزار STATA برای داده‌های فردی سرشماری ۱۳۹۵ به کار برده می‌شود. به منظور فهم چگونگی تأثیر متفاوت بین زنان و مردان و در سنین مختلف سالمندی، مدل‌های رگرسیون لوگستیک بر حسب جنس و سن سالمندان برآورد گردیده است. گروه‌های سنی، مراحل اوان سالمندی (۶۰-۶۹ سال)، سالمندی میانی (۷۰-۷۹ سال) و کهنسالی (۸۰ سال و بیشتر) را نشان می‌دهند.

یافته‌ها

جدول شماره ۱ روند نسبت سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند را به تفکیک جنس و محل سکونت در طول سه دهه گذشته، نشان می‌دهد. در سطح کل کشور، در سال ۱۳۶۵، سالمندانی که تنها زندگی می‌کردن، در حدود ۹/۱ درصد بوده است. در سال ۱۳۷۵ کمی کاهش داشت و به ۹ درصد رسیده، در سال ۱۳۸۵ به ۱۰/۹ درصد رسیده، در سال ۱۳۹۵ به ۱۴/۵ درصد و در سال ۱۳۹۰ به ۱۴/۹ درصد رسیده است. بیشترین افزایش بین سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بوده که در حدود ۳۳ درصد افزایش یافته است. شیوع تنها زندگی کردن به طور قابل توجهی در نواحی شهری و روستایی رو به افزایش است و اما بیشترین تفاوت روستا، شهری در سال ۱۳۹۵ مشاهده می‌شود. به طوری که، ۱۴/۵ درصد از سالمندان شهری، و ۱۶/۰ درصد از سالمندان روستایی تنها زندگی می‌کنند. تفاوت قابل توجه بین زنان و مردان در تنها زندگی کردن در تمامی سالهای سرشماری مشاهده می‌شود و اما بیشترین تفاوت در سال ۱۳۹۰، با ۵ درصد مردان در مقابل ۲۳/۶ درصد زنان و در سال ۱۳۹۵، با ۵/۵ درصد مردان در مقابل ۲۴/۱ درصد زنان ملاحظه می‌شود. همین الگو برای تفاوت بین دو جنس برای مناطق شهری و روستایی نیز مشاهده می‌شود.

همانگونه که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، با افزایش سن، نسبت سالمندان تنها بیشتر می‌شود، تا جایی که ۳۰ درصد سالمندان ۸۰ سال و بیشتر تنها زندگی می‌کنند. ملاحظه می‌شود، ۵۵/۲۴ درصد سالمندانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، تنها زندگی می‌کنند و بعد از آن طلاق گرفته‌ها با ۵۲/۱۲ درصد و بیوه‌ها با

ترتیب، بخت تنهازیستی را در تمامی سنین هم برای کل و هم برای مردان و هم برای زنان، نسبت به وضعیت تأهل ازدواج کرده، بالا می-برند.

برای کل کشور در اوایل سالمندی، دارای درآمد بدون کار بودن باعث کاهش، و خانهداری باعث افزایش بخت تنهازیستی شده است. در سالمندی میانی، در حال تحصیل بودن و خانهداری، بخت تنهازیستی را بالا می-برد. در این دوران، برای زنان، فقط در حال تحصیل بودن معنادار شده است و که باعث افزایش بخت تنهازیستی گردیده است. و برای زنان، خانهداری باعث افزایش و سایر فعالیتها باعث کاهش بخت تنهازیستی می-گردد. در دوران کهنسالی، خانهداری هم برای کل و هم برای زنان، بخت تنهازیستی را نسبت به شاغلان، افزایش می-دهد.

شایان ذکر است متغیرهای وارد شده در تحلیل، قادر به تبیین ۴۳ درصد از تغییرات تنها زیستی سالمندان در کل نمونه شده‌اند این میزان برای مردان ۴۸ درصد و زنان ۳۵ درصد بود. (ردیف آخر جداول ۳، ۴، ۵).

چندانی بر بخت تنهازیستی ندارد. دیگر آنکه دارای درآمد بدون کار بودن و سایر فعالیتها، نسبت به شاغلان، بخت تنهازیستی را کاهش می-دهند. (ستون ۲ از جدول ۴ و ۵).

ستونهای ۳-۵، نسبت برتری کنترل شده را برای سنین اوان سالمندی (۶۰-۶۹ سال)، سالمندی میانی (۷۰-۷۹ سال) و کهنسالی (۸۰ سال و بیشتر) نشان می-دهد. در تمامی سنین زندگی در مناطق روستایی هم تنهازیستی مردان و هم تنها زیستی زنان را افزایش می-دهد. همچنین در همه سنین، زن بودن، بخت تنها زیستی را بالا می-برد. برای مردان در اوایل سالمندی، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و متوسطه و در سالمندی میانی، تحصیلات دیپلم و در کهنسالی، بیسوادی و تحصیلات ابتدایی، نسبت به تحصیلات دانشگاهی باعث کاهش بخت تنهازیستی می-گردد. برای زنان، تنها در اوایل سالمندی است که بیسوادی و تحصیلات ابتدایی باعث افزایش بخت تنهازیستی می-گردد و برای سالمندی میانی و کهنسالی، شواهدی که مبنی بر رابطه تحصیلات و تنهازیستی باشد، مشاهده نشد. وضعیت تأهل، ازدواج نکردن، طلاق و بیوگی به

جدول ۱: نسبت سالمندانی که تنها زندگی می-کنند از جمعیت +۶۰ به تفکیک جنس و محل سکونت، [۲۲]۱۳۶۵-۱۳۹۵

جنس	کل کشور	شهر	روستا
مرد			
زن			
کل			
مرد			
زن			
کل			
مرد			
زن			
کل			

جدول ۲: درصد سالمندان تنها و غیر تنها ۶۰ سال و بالاتر بر حسب ترکیب سنی، وضعیت ازدواج، تحصیلات و وضعیت فعالیت، ایران، ۱۳۹۵ [۲۳]

سالمند غیر تنها			سالمند تنها			ترکیب سنی
کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	
۹۱/۲۸	۸۵/۹۸	۹۶/۹۵	۸/۷۲	۱۴/۰۲	۳/۰۵	۶۰-۶۹ ساله
۸۰/۳۶	۶۶/۶۷	۹۴/۲۹	۱۹/۶۴	۳۲/۲۳	۵/۷۱	۷۰-۷۹ ساله
۶۹/۹۷	۵۲/۲۷	۸۵/۸۱	۳۰/۰۳	۴۷/۷۳	۱۴/۱۹	۸۰ سال و بیشتر
وضعیت ازدواج						
۹۸/۶۲	۹۸/۰۹	۹۸/۹۵	۱/۳۸	۱/۹۱	۱/۰۵	ازدواج کرده
۴۹/۷۸	۴۹/۹۹	۴۸/۴۸	۵۰/۲۲	۵۰/۰۱	۵۱/۵۲	بیوه
۴۷/۸۸	۵۲/۴۹	۳۹/۴۵	۵۲/۱۲	۴۷/۵۱	۶۰/۵۵	طلاق گرفته
۴۴/۷۶	۴۷/۳۷	۳۹/۷۷	۵۵/۲۴	۵۲/۶۳	۶۰/۲۳	هرگز ازدواج نکرده
تحصیلات						
۸۰/۴۵	۷۳/۱۸	۹۲/۵۱	۱۵/۵۵	۲۶/۸۲	۷/۴۹	بیسوساد
۸۹/۳۷	۸۰/۱۲	۹۵/۷۷	۱۰/۶۳	۱۹/۸۸	۴/۲۳	ابتدایی
۹۱/۶۱	۸۲/۹۲	۹۶/۶۷	۸/۳۹	۱۷/۰۸	۳/۳۳	راهنمایی و متوسطه
۹۱/۴۹	۸۴/۳۳	۹۵/۸۶	۸/۵۱	۱۵/۶۷	۴/۱۴	دیپلم
۹۲/۱۱	۸۲/۶۶	۹۵/۱۵	۷/۸۹	۱۷/۳۴	۴/۸۵	دانشگاهی
وضعیت فعالیت						
۹۱/۱۳	۷۰/۸۲	۹۵/۱۶	۸/۸۷	۲۹/۱۸	۴/۸۴	شغل
۹۳/۴۷	۸۴/۲۷	۹۴/۹۵	۶/۵۳	۱۵/۷۳	۵/۰۵	در جستجوی کار
۸۲/۴۱	۶۴/۵۲	۸۹/۶۱	۱۷/۵۹	۳۵/۴۹	۱۰/۳۹	در حال تحصیل
۸۰/۴۸	۸۰/۴۶	۸۱/۷۰	۱۹/۵۲	۱۹/۵۴	۱۸/۳۰	خانه دار
۸۷/۲۳	۵۷/۱۵	۹۵/۲۸	۱۲/۷۷	۴۲/۸۵	۴/۷۲	دارای درآمد بدون کار
۸۵/۷۹	۶۴/۳۸	۹۲/۱۹	۱۴/۲۱	۳۵/۶۲	۷/۸۱	سایر فعالیتها

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون لوگستیک همبسته های تنها زیستی زنان و مردان، ایران، ۱۳۹۵

(۱) نسبت برتری کنترل شده ۶۰-۶۹ ساله (۲) نسبت برتری کنترل شده ۷۰-۷۹ ساله (۳) نسبت برتری کنترل شده ۸۰+ ساله و بیشتر (۴) نسبت برتری کنترل شده ۷۰-۷۹ ساله (۵) نسبت برتری کنترل شده ۶۰-۶۹ ساله	Mحل سکونت
۰/۷۱ *** Ref.	شهر روستا
۰/۷۹ *** Ref.	جنی مرد زن
۰/۷۹ NS ۰/۹۲ NS ۰/۸۶ NS ۱/۰۰ NS ۴۹/۳۶ *** ۵۹/۲۷*** ۵۳/۷۶*** ۰/۷۱ NS	تحصیلات بیسوساد ابتدایی راهنمایی و متوسطه دیپلم دانشگاهی
۰/۷۸ *** Ref.	وضعیت تأهل بیوه طلاق گرفته هرگز ازدواج نکرده ازدواج کرده
۰/۶۴/۸۵ *** ۷۰/۳۸ *** ۱۱/۷۲ *** ۰/۹۴ NS ۰/۸۴ ** ۰/۹۶ NS ۱/۱۲ ** ۱/۱۱ NS ۱/۰۷ *** ۰/۹۳ NS ۰/۸۴ *	وضع فعالیت در جستجوی کار در حال تحصیل دارای درآمد بدون کار خانه دار سایر فعالیتها شاغل

نکته: سطوح مختلف معناداری؛ سطح ۵ درصد ($P < 0.05$)، سطح ۱ درصد ($P < 0.01$) و سطح ۰/۱ درصد ($P < 0.001$) و ^{NS} غیرمعنادار

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون لوجستیک همبسته‌های تنها زیستی مودان، ایران، ۱۳۹۵

محل سکونت				
(۱) نسبت برتری کنترل شده				
(۲) نسبت برتری کنترل شده				
(۳) نسبت برتری کنترل شده ۶۰-۶۹ ساله	(۴) نسبت برتری کنترل شده ۷۰-۷۹ ساله	(۵) نسبت برتری کنترل شده ۸۰ ساله و بیشتر		
شهر	روستا			
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
تحصیلات				
بیسوارد	ابتدایی	راهنمایی و متوسطه	دبیرم	دانشگاهی
•/۵۲ **	۱/۰۶ NS	•/۸۵ NS	•/۸۰ **	۱/۵۹ ***
•/۸۱ *	۱/۰۴ NS	•/۷۵ *	•/۸۲ *	•/۸۶ *
•/۸۰ NS	۰/۹۵ NS	•/۵۷ ***	•/۶۸ ***	•/۶۸ ***
•/۷۶ NS	۱/۵۶ *	•/۷۹ NS	•/۹۳ NS	•/۸۵ *
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
وضعیت تأهل				
بیوه	طلائق گرفته	هرگز ازدواج نکرده	ازدواج کرده	
۹۱/۹۷ ***	۹۵/۴۵ ***	۷۳/۵۸ ***	۸۵/۲۵ ***	۹۹/۸۹ ***
۱۰۲/۶۶ ***	۱۶۳/۸۷ ***	۱۶۷/۱۴ ***	۱۵۷/۹۵ ***	۱۴۴/۲۶ ***
۹۰/۲۰ ***	۱۹۴/۰۵ ***	۱۴۸/۷۱ ***	۱۴۹/۷۷ ***	۱۴۲/۳۵ ***
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
وضعیت فعالیت				
در جستجوی کار	در حال تحصیل	دارای درآمد بدون کار	خانهدار	سایر فعالیتها
۲/۳۰ NS	۱/۰۴ NS	•/۵۱ NS	•/۸۹ NS	۱/۰۵ **
۱/۰۳ NS	۱/۰۸۸ *	۱/۳۲ NS	۲/۱۴ NS	۲/۲۸ NS
۱/۰۰ NS	۱/۲۸ NS	•/۰۳ *	•/۹۰ NS	۴/۴۰ ***
۱/۱۰ NS	۱/۲۰ NS	•/۸۷ NS	۱/۰۹ NS	•/۹۷ ***
•/۹۴ NS	۱/۰۸ NS	•/۹۷ NS	۱/۰۸ NS	۱/۷ ***
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
شاغل				
سن				
۶۰-۶۹ ساله	۷۰-۷۹ ساله	۸۰ سال و بیشتر	عرض از مبدأ	Pseudo R2
-	-	-	•/۵۶ ***	•/۱۹ ***
-	-	-	•/۷۵ ***	•/۳۷ ***
-	-	-	Ref.	Ref.
•/۰۱ ***	•/۰۱ ***	•/۰۱ ***	•/۰۲ ***	-
•/۴۸	•/۴۷	•/۴۱	•/۴۸	-

نکته: سطوح مختلف معناداری، سطح درصد ($P < 0.05$)، سطح درصد ($P < 0.01$) و غیرمعنادار، سطح درصد ($P < 0.001$) و غیرمعنادار.

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون لوگستیک همبسته‌های تنها زیستی زنان، ایران، ۱۳۹۵

(۱) نسبت برتری کنترل شده		(۲) نسبت برتری کنترل نشده		(۳) نسبت برتری کنترل شده		(۴) نسبت برتری کنترل شده		(۵) نسبت برتری کنترل شده	
روستا	شهر	روستا	شهر	روستا	شهر	روستا	شهر	روستا	شهر
تحصیلات	بیسواد	ایندی	راهنمایی و متوجه	دپلم	دانشگاهی				
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
۰/۷۳ ***	۰/۷۹ ***	۰/۸۵ **	۰/۷۹ ***	۰/۹۶ *					
۱/۱۹ NS	۱/۰۵ NS	۱/۲۶ **	۱/۱۷ *	۱/۷۵ ***					
۱/۴۳ NS	۱/۱۹ NS	۱/۳۴ **	۱/۲۹ ***	۱/۱۸ **					
۱/۲۸ NS	۱/۰۹ NS	۱/۰۶ NS	۱/۰۸ NS	۰/۹۸ NS					
۱/۳۹ NS	۱/۰۵ NS	۱/۰۶ NS	۱/۰۶ NS	۰/۸۹ NS					

					وضعیت تأهل
۱۷/۲۷ ***	۴۴/۳۰ ***	۴۶/۲۰ ***	۴۰/۳۵ ***	۵۱/۴۴ ***	بیو
۲۰/۰۶ ***	۳۶/۱۷ ***	۵۸/۰۷ ***	۴۵/۵۸ ***	۴۶/۵۵ ***	طلاق گرفته
۱۸/۳۶ ***	۶۵/۵۱ ***	۶۰/۰۵ ***	۵۴/۰۰ ***	۵۷/۱۲ ***	هرگز ازدواج نکرده
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	ازدواج کرده
۳/۲۴ NS	۰/۷۷ NS	۰/۸۸ NS	۱/۰۴ NS	۰/۴۵ ***	وضعیت فعالیت
۱/۰۰	۵/۵۷ NS	۲/۴۱ *	۲/۱۱ NS	۱/۳۳ NS	در جستجوی کار
۱/۲۰ *	۰/۹۱ NS	۰/۸۳ **	۰/۹۵ NS	۰/۵۹ ***	در حال تحصیل
۲/۲۳ ***	۱/۴۴ ***	۱/۴۰ ***	۱/۶۰ ***	۱/۸۲ ***	دارای درآمد بدون کار
۰/۰۰ NS	۰/۷۲ ***	۱/۰۵ NS	۰/۰۸ ***	۱/۳۴ ***	خانهدار
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	سایر فعالیتها
-	-	-	۰/۴۶ ***	۰/۱۸ ***	شاغل
-	-	-	۰/۸۹ ***	۰/۵۵ ***	سن
-	-	-	Ref.	Ref.	۶۰-۶۹ ساله
۰/۰۲ ***	۰/۰۱ ***	۰/۰۲ NS	۰/۰۳ ***	-	۷۰-۷۹ ساله
۰/۱۴	۰/۳۰	۰/۳۵	۰/۳۵	-	۸۰ سال و بیشتر
					عرض از مبدا
					Pseudo R2

نکته: سطوح مختلف معناداری؛ * سطح ۵ درصد ($P < 0.05$), ** سطح ۱ درصد ($P < 0.01$) و *** سطح ۰.۱ درصد ($P < 0.001$) و NS غیرمعنادار

زندگی مشترک با فرزندان مجرد در میان آنان معمول‌تر از زنان سالمند است [۱۰]. مقایسه زنان و مردان سالمندی که تنها زندگی می‌کنند نشان می‌دهد که افزایش نسبت سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند، ناشی از افزایشی است که برای زنان رخ داده است. در این مورد نکاتی قابل توجه است، اینکه در تمامی سالهای سرشماری، نسبت زنانی که تنها زندگی می‌کنند نسبت به مردان پرشمارتر بوده است. این تفاوت اساساً از تفاوت‌های رفتار نکاحی و تفاوت مهم در نسبت ازدواج‌های مجدد پس از فوت یا طلاق همسر ریشه دارد [۷]. نکته دوم اینکه، عامل مهم دیگری غیر از عوامل جمعیتی می‌تواند بر تنها‌ی هر چه بیشتر سالمندان اثرگذار باشد. مهمترین عامل اجتماعی، تمایل بیشتر فرزندان به داشتن فاصله مکانی و زندگی مستقل از والدین سالمند، حتی پس از مرگ پدرانشان، است [۱۱]، همچنین بواسطه تفاوت‌های امید زندگی بین زنان و مردان، شمار مردان سالمندی که تنها زندگی می‌کنند نسبت به زنان، کمتر است [۲۴]، علاوه بر این، زنان هم بیشتر از مردان قادرند تنها زندگی کنند و هم از سویی تحت فشار نیروهای جمعیتی - اجتماعی، بیشتر به چنین وضعیتهايی از زندگی تن می‌دهند [۱۰].

این مطالعه نشان داد که ازدواج نکردن، طلاق و بیوگی تنها زیستی را هم برای مردان و هم برای زنان افزایش می‌دهد. این شرایط باعث تحمیل تنهازیستی برای سالمندان می‌شود. این یافته با سایر مطالعات نیز همخوانی دارد [۱۱, ۱۲]

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی شیوع تنهازیستی سالمندان در طول پنج دوره سرشماری در سطح کشور، نشان داد که سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند در نواحی شهری و روستایی در حال افزایش هستند. این در حالی است که ازدواج دیرهنگام‌تر سالمندان و فرزندان آنان و حتی تأخیر در تولد اولین فرزند، اثر کاهش سهم خانوارهای گستردگی را تقلیل داده و از طریق افزایش سالهای حضور فرزندان مجرد در خانواده پدری، سرعت رواج خانوارهای تک نفره را مهار می‌کند [۱۰]. در واقع سالمندان تحت تأثیر هنجرهای زندگی خصوصی [۷]. که (از پیامدهای دوره نوسازی و تحت فشارهای زندگی شهری هستند)، غالباً برای پرهیز از اختلال در روابط خود با فرزندان، ترجیح می‌دهند که زندگی مستقل داشته باشند و این افزایش در حالی مشاهده می‌شود که سالمندان، والدین آنان و فرزندانشان الگوی پراولادی داشته‌اند [۱۰]. با افزایش سن، از مراحل اوایل سالمندی (۶۰-۶۹ سال)، به سالمندی میانی (۷۰-۷۹ سال) و کهنسالی (۸۰ سال و بیشتر) نسبت سالمندان تنها بیشتر می‌شود. این اثر می‌تواند در رابطه قوی بین سن سالمند و حیات همسر و سن سالمند و جدا شدن فرزندان از خانوار (عمدتاً در اثر ازدواج) ریشه داشته باشد. به عبارت دیگر از آنجایی که مردان دارای همسران جوان‌تر هستند، فرزندان ازدواج نکرده بیشتری دارند (تفاوت الگوی ازدواج) و نسبت به زنان توانایی اقتصادی بیشتری دارند (نابرابری جنسیتی)، و

سیاست‌گذاری و داشتن برنامه‌ریزی برای ایجاد مراکز رسمی مراقبت از سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند و شبکه حمایت خانوادگی ندارند، بیشتر است. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، دولتها و سیاست‌گذاران، تمایل دارند سیستم‌های خانوادگی را به عنوان منبع حمایت از سالمندان ارزش‌گذاری کنند، اما با توجه به پوشش ضعیف صندوق‌های بازنیستگی و بیمه‌های اصلی و تکمیلی و حمایت مالی ناکافی از یک سو و ضعیف شدن حمایت‌های غیر رسمی و خانوادگی در اثر تغییر شرایط زندگی در جوامع جدید، جدا و دور شدن فرزندان از خانواده (در اثر مهاجرت گسترشده فرزندان) و گسترش ایده‌آل‌ها در جامعه مدرن، نیاز به تقویت سیستم‌های حمایت اجتماعی در سنین سالمندی وجود دارد. همچنین این نکته را بایستی مورد توجه قرار داد که سالمندان ایرانی صرفاً به خاطر نبود مراکز رسمی نگهداری از سالمندان، تنها زندگی نمی‌کنند، بلکه مطالعات نشان از این دارند که سالمندان ایرانی به دلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی و قبح این موضوع ترجیح می‌دهند تنها زندگی کنند، لذا در کنار تلاش جهت ایجاد مراکز نگهداری سالمندان، باید تلاش شود تا با فرهنگ سازی از قبح موضوع کاسته شده و سالمندان با تأثیر مثبت تری به زندگی در خانه سالمندان نگاه کنند.

تنهازیستی سالمندان در مناطق روستایی، که یکی از علل اصلی آن، مهاجرت فرزندان از روستا به شهر است، قابل برنامه‌ریزی، پیشگیری و کاهش است. لذا لازم است تا برنامه‌ریزان و سیاستمداران به منظور کاهش تنهازیستی سالمندان و به تبع آن کاهش عوارض ناشی از آن، برای پیشگیری و کاهش مهاجرت افراد جوان از روستاهای به شهرها، برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمینی را در سیاست‌گذاری‌های خود لحاظ نمایند. همچنین لازم است برنامه‌ریزان و سیاستمداران، توسعه متوازن مناطق مختلف از جمله شهرهای کوچک و روستاهای را مد نظر قرار دهند. تا بدین وسیله، جریان مهاجرت از روستاهای به شهرهای بزرگ را کاهش دهند. بدینهای است کاهش جریان مهاجرت از روستاهای به شهرهای بزرگ، علاوه بر کاهش برخی از مشکلات اجتماعی، از جمله حاشیه‌نشینی و ...، تنهازیستی سالمندان و به تبع آن عوارض ناشی از آن را نیز کاهش خواهد داد.

سهم نویسنده‌گان

مهری شمس قهرخی: نویسنده مقاله

همچنین ملاحظه شد که هم مردان و هم زنان سالمند روستایی، نسبت به سالمندان شهری تنها‌تر هستند که در مطالعه نازبونا و همکاران در سال ۱۵۲۰ نیز همین یافته‌ها گزارش شد. [۲۰] یکی از علل تنهازیستی بیشتر در روستاهای مهاجرت است؛ در واقع مهاجرت فرزندان، تغییراتی را در ساختار و کارکرد خانواده ایجاد می‌کند. با توجه به سن‌گزین بودن مهاجرت‌ها (بیشتر جمعیت جوان) [۲۵] و جریان مهاجرتی (غالباً روستا- شهری) [۲۶]، باعث شده است که جدایی مکانی والدین از فرزندان در بسیاری از روستاهای اتفاق بیافتد. شواهدی وجود ندارد که تحصیلات باعث افزایش تنهازیستی سالمندان را می‌شود، یافته‌ای که در مطالعه واندر نیز دیده شد [۹]؛ اگر چه در مطالعات دیگر، تحصیلات به عنوان عامل بالا بردن تنهازیستی در نظر گرفته شده است [۴-۶]. در بررسی وضع فعالیت نشان داده شد که برای زنان، خانه‌داری تنهازیستی را افزایش می‌دهد، اما برای مردان هیچ کدام از وضع فعالیتها معنادار نشد. به نظر می‌رسد زنانی که متکی به خود هستند سعی می‌کنند استقلال خود را حفظ کنند و با توجه به هنجارهای زندگی خصوصی [۷]، تنها زندگی کنند. در ایران، تنهازیستی با بالا رفتن سن، زندگی در مناطق روستایی، زن بودن، ازدواج نکردن، طلاق، بیوگی، دارای درآمد بدون کار، خانه‌داری و سایر فعالیتها مرتبط است. با توجه به ویژگی مهم وضعیت زندگی سالمندان ایرانی، که افزایش نسبت تنها زیستن و زنانه‌تر شدن این شکل از زندگی است و همچنین با توجه به تغییرات جمعیتی- اجتماعی پیش رو، که انتظار می‌رود این پدیده در آینده گسترش بیشتری داشته باشد، انتظار می‌رود شرایط دشوارتری برای زنان در آینده ایجاد شود. پس لازم است که در طرح‌های کمک و برنامه‌های ارتقای کیفیت زندگی سالمندان به این گروه، خصوصاً زنان سالمندی که تنها زندگی می‌کنند، توجه بیشتری شود.

یکی از بزرگترین نابرابریهایی که ریشه در سنت اجتماعی به ویژه در محدودیت اجتماعی برای ازدواج مجدد زنان بویژه در سنین بالا دارد، در نسبت سالمندانی است که در این دوره پراهمیت زندگی، از عضویت در شبکه‌های اجتماعی محروم هستند. همسر بویژه به عنوان مهمترین تکیه‌گاه در برآوردن نیازهای مالی و حتی سرپناه، مهمترین عضو خانواده سالمندان زن است و یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که نسبت سالمندان زن تنها به مراتب بالاتر از سالمندان مرد تنها است. پس با توجه به آسیب پذیر بودن سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند، مخصوصاً با افزایش سن، نیاز به

منابع

1. United Nations, Living Arrangements of Older Persons: A Report on an Expanded International Dataset, Population Division. Division Department of Economic and Social Affairs 2017; 1-55 [Available from:
<https://www.un.org/en/development/desa/population/publications/pdf/ageing/LivingArrangements.pdf>]
2. Victor C. The social context of ageing: A textbook of gerontology. 1th Edition: Routledge, London, United Kingdom, 2005
3. Moen P ,Wethington E. The concept of family adaptive strategies. Annual Review of Sociology 1992; 18: 233-251
4. Martin LG. Living arrangements of the elderly in Fiji, Korea, Malaysia, and the Philippines. Demography 1989; 26: 627-643
5. DaVanzo J, Chan A. Living arrangements of older Malaysians: Who coresides with their adult children? Demography 1994; 31: 95-113
6. Palloni A. Living arrangements of older persons. In Living arrangements of older persons: critical issues and policy responses, Population Bulletin of the United Nations, Special issue no. 42/43. New York: United Nations 2001. [Available from:<https://www.un.org/en/development/desa/population/events/pdf/expert/1/palloni.pdf>]
7. Bongaarts J, Zimmer Z. Living arrangements of older adults in the developing world: an analysis of demographic and health survey household surveys. The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences 2002; 57: 145-157
8. Haslbeck JW, McCorkle R, Schaeffer D. Chronic illness self-management while living alone in later life: a systematic integrative review. Research on Aging 2012; 34: 507-547
9. Wandera SO, Ddumba I, Akinyemi JO, Adedini SA, Odimegwu C. Living alone among older persons in Uganda: Prevalence and associated factors. Ageing International 2017; 1; 42:429-446
10. Koosheshi M. Living Arrangements, Kin support network and health Status of elderly in Tehran city, thesis in Demography, Tehran 2008 [Persian]
11. kosheshi M, khosravi A, alizadeh M, torkashvand M, aghaei N, Population ageing in Iran. 2014; United Nations Population Fund: Iran: 143. [Available from:https://iran.unfpa.org/sites/default/files/public/Population%20Ageing%20in%20I.%20R.%20Iran_2.pdf]
12. Torabi F, Abbasi-Shavazi MJ, Askari-Noudoushan A. Trends in and patterns of solo living in Iran: an exploratory analysis. Journal of Population Research 2015; 32: 243-261.
13. Cornwell EY, Waite LJ. Social disconnectedness, perceived isolation, and health among older adults. Journal of Health and Social Behavior 2009; 50:31-48.
14. Dykstra PA. Older adult loneliness: myths and realities. European Journal of Ageing 2009; 6:91
15. Lim LL, Kua EH. Living alone, loneliness, and psychological well-being of older persons in Singapore. Current Gerontology and Geriatrics Research 2011; 2011:9
16. Millán-Calenti JC, Sánchez A, Lorenzo-López L, Cao R, Maseda A. Influence of social support on older adults with cognitive impairment, depressive symptoms, or both coexisting. The International Journal of Aging and Human Development 2013; 76:199-214
17. Mui AC. Living alone and depression among older Chinese immigrants. Journal of Gerontological Social Work 1999; 30:147-66
18. Russell D, Taylor J. Living alone and depressive symptoms: the influence of gender, physical disability, and social support among Hispanic and non-Hispanic older adults. Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences 2009; 64:95-104
19. Iecovich E, Jacobs JM, Stessman J. Loneliness, social networks, and mortality: 18 years of follow-up. The International Journal of Aging and Human Development 2011; 72:243-263
20. Nzabona A, Ntozi J, Rutaremwa G. Loneliness among older persons in Uganda: examining social, economic and demographic risk factors. Ageing & Society 2016; 36:860-888
21. Goode WJ. World revolution and family patterns. 1th Edition, Free Press of Glencoe, United States, New York, 1963
22. Statistical Centre of Iran. Results of the 1986-2016 population and housing censuses 2016a, Statistical Centre of Iran. [Available from: www.amar.org.ir] [Persian]
23. Statistical Centre of Iran. The 2 % sample results of the 2016 population and housing censuses. Statistical Centre of Iran 2016b. [Available from: www.amar.org.ir] [Persian]

24. de Jong-Gierveld J, Social networks and social well-being of older men and women living alone, in Gender and ageing: changing roles and relationships, S. Arber, K. Davidson, and J. Ginn, 1th Edition, Open University Press:the United Kingdom, 2003
25. Mahmoudian H. Internal Migration and Urbanization in Iran: Status quo, Challenges and Policy Guidelines. Policy Papers: Emerging Population Issues in IR of Iran 2015; 1:47-55
26. pumain D, The Urbanization process, in Demography: Analysis and Synthesis, Four Volume Set: A Treatise in Population, Caselli G, Vallin J, Wunsch G. 1th Edition, Elsevier, Amsterdam, Netherlands 2005

ABSTRACT

Prevalence and correlates of living alone among elderly in Iran

Mehri Shams Ghahfarokhi ^{1*}

1. Faculty of Literature, Isfahan University, Isfahan, Iran

Payesh 2019; 18(4): 357- 367

Accepted for publication: 26 August 2019
[EPub a head of print-31 August 2019]

Objective (s): This study examined the pattern and trend of living alone among elderly during the last five censuses in Iran.

Methods: Data were obtained from two main sources: published Iranian population and housing census (1986, 1996, 2006, 2011 and 2016), and the individual data of 2% census in 2016. Then the characteristics of the sole elderly are described and the extent to which living alone is related to socioeconomic and demographic characteristics is determined. In order to investigate the relative importance of different correlates of the elderly living alone, a set of logistic regression models using STATA software for individual data of 2016 census has been used.

Results: The proportion of the elderly who lived alone was 13.9%, 9.9%, 9.9%, 14.5%, and 14.9% in 1986, 1996, 2006, 2011 and 2016 respectively. Living alone was associated with residence in urban, being male, having a secondary and high school education, being widowed, divorced, single, being housewife, having income with no job, age 60-69, and age 70-79. The variables included in the analysis were able to explain 43% of the variation in living alone in the whole sample (48% for men and 35% for women).

Conclusion: In Iran, living alone increased with age, life in urban areas, being a woman, being single, divorced, widowhood, being low educated, housekeeper and unemployment. If the ageing and the lack of supporting organizations continue to increase, then more difficult conditions will be created for elderly the future. Thus, considering the vulnerability of elderly people who live alone, the need for more appropriate policy and planning is required.

Key Words: Elder, Solo Living, Marital Status, Place of Residence, Sex, Age, Iran

* Corresponding author: Faculty of Literature, Isfahan University, Isfahan, Iran
E-mail: mehri_shams2001@yahoo.com